## فهرست مطالب:

[خطبه اول 2](#_Toc435111242)

[دلایل اخلاقی و روحی غافلین و معاندین امام حسین(ع) 2](#_Toc435111243)

[انتقام‌جویی کور در عاشورا 4](#_Toc435111244)

[خطبه دوم 5](#_Toc435111245)

[فراخوانی عزاداران حسینی به تقوا 5](#_Toc435111246)

[قدردانی از عزاداران حسینی 5](#_Toc435111247)

[ضرورت حضور روحانیت در عزاداری 5](#_Toc435111248)

[بایسته‌های عزاداری 6](#_Toc435111249)

[عاشورای واقعی 6](#_Toc435111250)

[توجه به کتاب و کتاب‌خوانی 6](#_Toc435111251)

[سالروز آزادسازی سوسنگرد 7](#_Toc435111252)

[بزرگداشت شیخ مفید و علامه طباطبایی 7](#_Toc435111253)

[دعا 8](#_Toc435111254)

## خطبه اول

## اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

## اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»[[2]](#footnote-2)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## دلایل اخلاقی و روحی غافلین و معاندین امام حسین (ع)

علل و عواملی که موجب شد تا جامعه اسلامی از پشتیبانی حجت خدا و امام عصر خویش بازبماند چه بود؟

1. جهالت‌ها، غفلت‌ها و نادانی‌ها، جمع زیادی در جهان اسلام از طوایف و قبایل و از شهرها و روستاهای دور و نزدیک حقیقت را نمی‌دانستند و درصدد شناخت آن‌هم نبودند.
2. کسانی که می‌دانستند ضعف اراده داشتند، اراده استوار و دفاع از حق شرط مهمی است، اگر کاروان کربلا را از همان اول در نظر بگیرند، از پانزدهم رجب تا دهم محرم چه آدم‌هایی آمدند و رفتند، چه کسانی نبودند و ملحق شدند، و باقیمانده این کاروان هفتادوچند نفر گفته‌شده است، بااین‌همه غربالگری بازهم عصاره فضیلت‌ها در این کاروان باقی ماند.

طبق نقل تواریخ معتبر وقتی امام علی (ع) از جنگ صفین برمی‌گشتند و به صحرای کربلا رسیدند بسیار جمله گویایی در وصف کربلا گفتند. ایشان فرمودند: **«هذا...مَصَارِعُ عُشَّاقٍ شُهَدَاءَ لَا يَسْبِقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَ لَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ بَعْدَهُمْ.»**[[3]](#footnote-3)، اینجا جای اقامت و توقف کسانی است و جای شهادت عاشقانی است که مانند این‌ها در تاریخ توحید نیامده است و بعد از آن‌هم نخواهد آمد.

امیرالمؤمنین این‌طور وصف می‌کند و اشک می‌ریزد، شهادت امام حسین (ع) از چیزهایی است که روضه‌اش از قبل از اتفاق آغازشده بود. جمع زیادی می‌دانستند اما عزم و اراده نداشتند حتی نزدیکان امام حسین (ع) هم همین‌طور بودند، محمد ابن حنفیه شخص بزرگی بود، برادر امام حسین (ع) و شخصیت بزرگواری بود ولی به هر دلیلی این عزم و اراده در آنجا پیدا نشد.

1. ترس، ترس از دست دادن مال و مقام و آسایش و رفاه و زندگی گاهی زندگی انسان را تباه می‌کند. ترس از دست دادن نعم دنیایی یکی از سپاهیان شیطان است که همه دین و ایمان انسان را ممکن است بگیرد، آدم‌های زیادی را هم همین ترس خانه‌نشین کرد.
2. ریاست‌طلبی؛ باید همه به‌خصوص کسانی که در مقام ریاست و موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرند باید به خدا پناه ببرند. در روایت شریفه آمده است: «**آخِرُ ما یخْرُجُ مِنْ قُلُوبِ الصِّدِّیقینَ حُبُّ الْجاه**»[[4]](#footnote-4) مقامات مؤمنین از درجات کوچک و کم شروع می‌شود و تا به درجات عالی می‌رسد

مقام صدیق یک مقام خیلی بالا است که از بسیاری از موانع عبور کرده و ناخالصی‌ها از او زدوده شده است، آخرین چیزی که از دل یک انسان بیرون می‌رود علاقه به مقام و ریاست است.

در روایات است که اگر کسی دوست دارد که وقتی راه می‌رود عده‌ای پشت او راه بروند و او جلال و شکوه پیدا بکند دوست داشتن این عمل شیطان است و باید به خدا پناه برد. یکی از مهم‌ترین موانع کمال بشر و اوج‌گیری انسان در مدارج معنویت و اخلاق این است که پست او، شغل و مقام و موقعیت او چنان به دلش چسبیده باشد که سر دوراهی تکلیف و مقام که رسید تکلیف را قربانی مقام بکند، گاهی هم ممکن است کسی بر اساس یک وظیفه دنبال مقام برود، خیلی سخت است.

مرحوم مطهری می‌فرمایند وقتی روزهای چهارشنبه درس اخلاق مرحوم امام (ره) در مدرسه فیضیه می‌رفتیم چنان سخنان جذاب و شیوای ایشان ما را شارژ می‌کرد که تا یک هفته آثار این درس اخلاق و انفاس قدسی همراه ما بود.

ایشان در درس‌های اخلاقشان فرمودند که کسی در آنجا مسئول آفتابه بود، وقتی کسی می‌آمد این آفتابه را برمی‌داشت می‌گفت نه این را بگذار و آن را بردار فقط به خاطر اینکه حس ریاست خودش را اعمال بکند. ریاست‌طلبی از همین‌جا شروع می‌شود تا آدم‌های بزرگ را که از معنویت و مقامات معنوی ساقط می‌کند.

جریان بنی امیّه از مقام‌خواهی شروع شد. این‌ها تحمل این را نداشتند که امامت و رهبری مجتمع اسلامی دست کسانی باشد که پیامبر آن‌ها را تأیید کرد. همین ریاست‌طلبی بود که ابوجهل را وادار می‌کند که وقتی می‌خواهند او را بکشند بگوید پایین‌تر ببر تا سر من بلند باشد.

«**تِلک الدّارُ الآخِرَةُ نَجعَلُها لِلَّذینَ لا یریدونَ عُلُوًّا فِی الأَرضِ وَلا فَسادًا وَالعاقِبَةُ لِلمُتَّقینَ**»[[5]](#footnote-5)

آن درجات و مقاماتی که چشمی ندیده و گوشی نشنیده است و فوق تصورات است، آن نعم و تفضلات بهشت و فرقان و ملکوت الهی برای کسانی است که مقام‌خواهی در وجودشان نیست و مسئولیت خود را فقط وظیفه بداند.

امام رهبر انقلاب باشد یا نباشد وظیفه را انجام می‌دهد، فرمود به من بگویند درود یا بر من مرگ بفرستند برای من فرقی نمی‌کند، این امر امام را امام کرد. وقتی‌که بعد از شانزده سال تبعید از او پرسیدند چه احساسی دارید که به وطنتان برمی‌گردید، فرمودند هیچ احساسی ندارم. ایشان فرمودند و الله قسم یک‌قدم برای ریاست برنداشتم. آدم خدایی کسی است که آنجا که وظیفه‌اش است خودش را کنار نکشد و در میدان نقش ایفا بکند،

مقام‌خواهی و ریاست‌طلبی از مهم‌ترین انگیزه‌های روان‌شناختی شیطانی است که در وجود انسان می‌آید تا اینکه مقام خدا و بت او می‌شود و همه‌چیز را پای آن قربانی می‌کند، بنی‌امیه مصداق آن است. ابوسفیان گفت حالا که خلافت به دست ما رسید آن را مثل گوی به هم‌بسپارید و نگذارید که از دست شما ربوده شود.

راه نجات از مقام‌خواهی این است که نگاه انسان به آن‌طرف باشد، حضرت فرمودند که برخیزید که میان شما و آن عالم بزرگ جزء یک پلی مانده است، آن‌ها یک امتحانی دادند که صبح عاشورا یک حقیقتی را یافتند.

«**السَّلاَمُ عَلَیک یا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْأَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِک السَّلاَمُ عَلَی الْحُسَینِ وَ عَلَی عَلِی بْنِ الْحُسَینِ وَ عَلَی أَوْلاَدِ الْحُسَینِ وَ عَلَی أَصْحَابِ الْحُسَینِ**»[[6]](#footnote-6)

## انتقام‌جویی کور در عاشورا

جنگ دو نوع است، یک جنگی است که بر اساس دشمنی برقرارشده است و دو گروه برای یک هدفی به جان‌ هم افتاده‌اند ولی بر اساس حداقل موازین انسانی و با رعایت حداقل مردانگی و مروت عمل می‌کند، جنگ است اما یک مروت انسانی در آن وجود دارد حتی آن‌که باطل است یک چارچوبی را رعایت می‌کند، طبیعت جنگ خشونت و به جان ‌هم افتادن دارد، هرکسی درصدد مقلوب سازی رقیب برمی‌آید، این پدیده‌ای است که در طول تاریخ بشر وجود داشت.

نوع دوم جنگی است که در آنجا انتقام‌جویی کور حاکم می‌شود، همه معیارهای مردانگی و مروت و جوانمردی از میدان جنگ بیرون می‌رود، و بعدازاینکه پیروز شد بازهم دست برنمی‌دارد. عاشورا و عملکرد سپاه عبیدالله و یزید از نوع دوم جنگ است، عاشورا جنگی است که فقط بحث قالب و مقلوب نیست یک‌طرف آن‌قدر حیوانی و وحشیانه و خشن حرکت می‌کند که دل هر انسانی ولو کافر را به لرزه درمی‌آورد.

این عملیات کور کجا خودش را نشان داد؟ یکی اینکه بعدازاینکه اباعبدالله الحسین و اصحاب او به زمین افتادند و به شهادت رسیدند خوب شما به‌ظاهر پیروز شدید با آل الله این‌طور بدعمل نکنید اما این سپاه کافر و لئیم آن‌قدر خشن و پست بودند، یکی از اقدامات آن‌ها این بود که اسب‌ها را زین کردند و جسدها را پایمال سم اسبان کردند.

اشاره دیگر اینکه به خیمه‌های امام حسین (ع) حمله بردند، آن‌قدر از اسباب و وسایل ناچیز خیمه‌ها را بردند که عمر سعد خجالت می‌کشید و گفت این اموال را به خودشان برگردانید.

**«السَّلاَمُ عَلَیک یا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی الْأَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِک، وَ سَیعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَی مُنْقَلَبٍ ینْقَلِبُونَ»[[7]](#footnote-7)**

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم إِنَّا أَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَرَ ﴿۱﴾ فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ ﴿۲﴾ إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الأبْتَرُ ﴿۳﴾[[8]](#footnote-8)»**

## خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.[[9]](#footnote-9)**

## فراخوانی عزاداران حسینی به تقوا

فریاد دعوت به تقوا و پرهیزکاری فریاد همه انبیاء و اولیاء و صلح است و فراخوانی است که هیچ‌گاه نباید مورد غفلت قرار گیرد و تکرار آن هیچ‌گاه نباید خسته‌کننده باشد زیرا تقوا، پارسائی و پرهیزکاری غذای روح ما و سرمایه ابدی زندگی ماست. دعوت و فراخوانی به تقوا از اجزاء فریضه بزرگ عبادی و سیاسی و معنوی نماز جمعه است و شما و خودم و همه شمارا به پارسائی و پرهیزکاری، مراقبت از نفس و مواظبت قلب از ورود این هواهای نفسانی و دعوت‌های شیطانی دعوت می‌کنم. ان‌شاءالله خداوند همه ما را از پارسایان و پرهیزکاران مقرر بفرماید.

## قدردانی از عزاداران حسینی

جا دارد از تمامی هیئت‌ها، مداحان، روحانیت معزز و مردم و جوانان بزرگوار و تمامی کسانی که پرچم پرافتخار عاشورا را بار دیگر به اهتزاز درآوردید، مراسم عاشورائی را شکوه بخشیدید و در هر کوی و برزن و محفلی نام پرافتخار سالار شهیدان را بلند داشتید زیرا عزاداری سالار شهیدان مایه سعادت دنیا و آخرت است. از تمامی عزیزان به خاطر این همت بلند و شکوهی که در عزا آفریدند تشکر می‌کنم، ان‌شاءالله خداوند همه ما را مأجور بدارد و همه این عزاداری‌ها را در پیشگاه خود مقبول بفرماید.

## ضرورت حضور روحانیت در عزاداری

عزاداری باید با روحانیت، مبلغان پاک‌دین و تشدیدکنندگان فلسفه عاشورا گره بخورد. جدائی از روحانیت هیچ‌گاه در عزاداری صحیح نیست.

## بایسته‌های عزاداری

باید در نظم و انضباط، رعایت بهداشت، توجه به فقرا و مستمندان، اقامه نماز باشکوه ظهر عاشورا و بسیاری مسائل گام‌های مناسبی بود که در عزاداری امسال برداشته شد. حضور جوانان، توجه مداحان به اصول مداحی، حضور روحانیت و بسیاری مسائل دیگر که موجب می‌شود کمیت و کیفیت عزاداری سال‌به‌سال افزایش پیدا کند مسائل مهمی است که به آنان توجه شده است و ازاین‌جهت باید خداوند را سپاس داشت و هوشمندی و هوشیاری شمارا نیز باید قدردانی کرد.

در عزاداری‌ها باید توجه به فلسفه عاشورا و امربه‌معروف و نهی از منکر، اصلاح بعضی از تعزیه‌های نامناسب انتظاراتی است که از شما ملت هوشمند و مردم عزیز دور نیست که مسئولین را راهنمایی کنید تا عزاداری‌ها سال‌به‌سال رواج بیشتری پیدا کند.

## عاشورای واقعی

در جامعه‌ای که اعتیاد، طلاق، هراس از ازدواج و مسائلی از این قبیل وجود داشته باشد، نمی‌تواند معیارهای کامل حسینی را داشته باشد. ملت ایران ملتی است که بانام حسین انقلاب کردند، باید بدانند که عاشورای واقعی آن است که این مشکلات را برطرف کند و آسیب‌ها را کاهش دهد. عاشورا پیام اجتماعی، عبادی، معنوی و اخلاقی دارد که باید در جامعه منعکس شود. حماسه سالار شهیدان باید در متن زندگی پیاده شود و باید همزمان با حیات مردم نقش ایفا کنید.

ملتی که از وجود عاشورا برخوردار باشد ذلیل نمی‌شود، به خاطر مسائلی مانند تحریم و تهدید از پا درنمی‌آید، عجز و زبونی در مقابل دشمن نشان نمی‌دهد. اگر ملتی عاشورا را فهمید و پای عاشورا ایستاد تمام دشمنان عالم باید کنار روند و همگی باید در برابر این عظمت عاشورا سر تعظیم فرود بیاورند. خواهشمندم پیام عاشورا و استمرار پیام عاشورا را در دستور کار قرار دهید.

جوانان، نهادها، هیئات و مردم بزرگوار باید سعی کنند این عاشورا همه زندگی را به زندگی حماسی مبدل کند. در عاشورا رشد، پیشرفت، علم، دانش، اخلاق، نماز، پاکی و صفا و خلاصه هر نعمتی در عاشورا وجود دارد. باید عاشورا را قدر بدانیم و عمق و پیام عاشورا را صیانت کنیم.

## توجه به کتاب و کتاب‌خوانی

کتاب‌خوانی مهم‌ترین شاخص رشد در یک جامعه است و هنوز به وضع مناسبی در کتاب‌خوانی نرسیدیم. جامعه اسلامی باید جامعه‌ای اهل درک و فهم و شناخت باشد و این‌ها بدون مطالعه امکان ندارد و در مدارس و دانشگاه‌های ما باید جایی برای کتاب‌خوانی وجود داشته باشد. کارخانه‌ها باید بیشتر به مسائل فرهنگی توجه کنند و باید شرایط پیشرفت علمی و اخلاقی و مطالعه را برای کارگرانشان فراهم کنند.

در کارخانه‌ها باید فرهنگ نماز، تبلیغ ارزش‌های الهی، مطالعه و کتاب‌خوانی در کارخانه‌ها، مساجد و حسینیه‌ها بیشتر دنبال شود و فضای دانش و بینش باید در تمامی محیط‌های جامعه روبه‌پیشرفت باشد. در هفته کتاب و کتاب‌خوانی گفته می‌شود کتاب و ابزارهای سازنده باید در تمامی محیط‌های جامعه رواج پیدا کند و ثانیاً به هوش باشید تا ابزارهای فاسد و مسموم فرهنگی نسل جوان را تباه نکند. هر شخصی باید دقایقی از وقت خود را برای مطالعه در تمامی حوزه‌ها صرف کند و این‌یک امر مهمی است که در هفته کتاب و کتاب‌خوانی به آن تأکید شود.

## سالروز آزادسازی سوسنگرد

26 آبان سال روز آزادسازی سوسنگرد است که این تاریخ در زمان جنگ خیلی مهم بود زیرا سوسنگرد را دشمن برای سکویی برای تصرف آبادان اشغال کرده بود و از آن می‌خواست جهت سقوط اهواز به‌عنوان یک پایگاه مهم ایران اسلامی استفاده کند که خیلی تبعات سنگینی به بار داشت. آزادسازی سوسنگرد با نقشه ویژه مرحوم شهید چمران و با پیگیری‌ها و عنایت‌های خاص مقام معظم رهبری در آن‌وقت و با فداکاری و شجاعت جوانان بی‌نظیر و شهدای گران‌قدر ما بود که فصل زرین در تاریخ دفاع مقدس می‌باشد که یاد این روز را گرامی می‌داریم و بر ارواح شهیدان سرافراز و شهدای کربلا صلواتی می‌فرستیم.

شهر ما در مسیر چند شهر مهم و صنعتی قرارگرفته است و موجب شده است تا شهرهای ما پذیرای غیربومی‌ها و مهاجرین باشد. ما با حضور مهاجران و غیربومی‌ها مخالفت نداریم اما چند انتظار از آنان داریم که مسئولین و مردم باید به آن توجه کنند:

1. مسئولین و صاحبان صنایع و کارخانه‌ها باید یک مهندسی کنیم و تدبیری انجام دهیم تا کسانی که وارد شهر می‌شوند، مقید به آداب و ضوابط و فرهنگ دینی و اخلاقی باشند و فقط به سرمایه‌ها و کارخانه‌های ما نگاه اقتصادی نداشته باشند. صاحبان مشاغل حرف باید نگاهی فرهنگی داشته باشند تا انسان‌های سالم را به کار بگیرند.
2. صاحبان صنایع باید تلاش کنند تا به سمت صنعت‌های بالاتر و بهتر پیش روند. امروزه بیکاری در سطح تحصیل‌کرده‌ها به‌مراتب بیشتر از کارگران معمولی است؛ و باید صنایعی در شهر آورده شود تا جواب‌گوی آنان نیز باشد.
3. وظیفه مردم است که ضمن تکریم غیربومی‌ها باید در محلات و مناطق مواظبت کنند که خطوط قرمز دینی و اخلاقی و فرهنگ جامعه حفظ شود. این امر مهمی است و جوانان و نسل آینده ما در معرض خطر می‌باشند گاهی غیربومیان و حتی بومیان باعث می‌شوند تا فرهنگ خانواده، طهارت و پاکی شهر تخریب شود.
4. از عزیزان مهاجر نیز تقاضا می‌شود تا فرهنگ اخلاقی، دینی و ارزش‌های متعالی را توجه کنند.

## بزرگداشت شیخ مفید و علامه طباطبایی

در پایان یاد مرحوم شیخ مفید و همچنین علامه طباطبایی که روزهای این دو بزرگوار در این هفته قرار دارد را گرامی می‌داریم. دوشخصیتی که یکی در عصر پیشین نقش بزرگی در انتشار اسلام و معارف اهل‌بیت داشت و حق بزرگی بر گردن تمامی ما دارد. شیخ مفید بیش از 200 کتاب دارد و حوزه بغداد را اداره کردند؛ شخصیتی که هنگامی‌که از دنیا رفتند با تمامی کارهایی که برای خدمت به تشیع انجام داده بودند، هزاران عالم و غیر عالم سنی نیز در تشییع‌جنازه او شرکت کردند.

مرحوم علامه طباطبایی که در عصر ما نیز از نوادر روزگار ما و صاحب یک فکر عمیق الهی، قرآنی، دینی و فلسفی بود و بسیاری از ذخایر امروزی که ما امروزه از طریق شهید مطهری و سایر بزرگان در دست داریم به پردازش ایشان است. بر روان این دوعالم بزرگوار و سایر علما و بزرگواران و همگی ذوی‌الحقوق و درگذشتگان این جمع و شهدای عالی‌مقام و در رأس همه سید و سالار شهیدان و یاران باوفای او سه صلوات ختم فرمایید.

## دعا

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان و معرفت روشن بفرما همه ما را حسینی قرار بده، حسینی از این عالم ببر و به ارزش‌های حسینی و عاشورایی ثابت‌قدم بدار ما را از تمامی گناهان و مفاسد دور بدار گناهان ما را ببخش توبه ما را بپذیر عبادت‌ها و سوگواری‌ها و همه ملت عزیز ما را در بارگاه خودت مقبول بفرما خدایا شکر و سپاس بر باران رحمت و عنایات تو بازهم باران رحمت و برکات مادی و معنوی خود را بر ما فرو فرست ارواح طیبه شهدا، شهدای کربلا، روح بلند امام و یاران امام و همه درگذشتگان این جمع و تازه درگذشتگان از این دیار و از این جمع همه را با سید و سالار شهدا محشور بفرما سلام و درود ما را در این ایام عزیز به محضر حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفای او و همه انبیاء و اولیاء و ائمه و حضرت ولی‌عصر (عج) ابلاغ بفرما مریض‌ها و جانبازان را شفا عنایت بفرما گرفتاری‌ها را مرتفع بفرما خدمتگزاران به اسلام و همه ذوی‌الحقوق ما و شخصیت‌های ما و انسان‌های بزرگ و خدوم به‌ویژه مقام معظم رهبری را مؤید و منصور بدار.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. . سوره اعراف، آیه 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره التوبه، آیه 119 [↑](#footnote-ref-2)
3. .5. تهذیب، ج ۶، ص، ۷۳ و بحار، ج ۹۸، ص ۱۱۶ [↑](#footnote-ref-3)
4. . محاسن، ج 1، ص 195 [↑](#footnote-ref-4)
5. 6. سوره القصص، آیه 83. [↑](#footnote-ref-5)
6. 7. کامل الزیارات، ص 176 [↑](#footnote-ref-6)
7. 8. سوره الشعراء، آیه 227، صفحه 376. [↑](#footnote-ref-7)
8. 9. سوره الکوثر، سوره 108، صفحه 602. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره مبارکه حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-9)